



بررسی فقهی فیلترینگ

پدیدآورنده (ها) : عجمی، هادی

فقه و اصول :: نشریه مبلغان :: آبان و آذر ۱۴۰۰ - شماره ۲۷۰

صفحات : از ۶۲ تا ۷۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1832135>

دانلود شده توسط : هادی عجمی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۰۳/۱۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بازتاب اندیشه سیاسی: امکان یا ضرورت پاسخگویی در حکومت اسلامی
- مسئولیت حکومت دینی در حفاظت از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای مجازی از منظر فقه و حقوق

بررسی فقهی فیلترینگ

هادی عجمی*

مقدمه

فیلترینگ اعلام می‌کند. در کشور ایران اسلامی نیز فهرست مصادیق محتوای مجرمانه ذیل موضوع ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای^۲ را تشکیل می‌دهد که می‌شود این عناوین را در سه دسته قرار داد: ۱. محتوای ضد اخلاقی و ضد اعتقادی؛ ۲. محتوای بر هم زنده امنیت کشور؛ ۳. محتوای مجرمانه از منظر حقوقی.

فیلترینگ به معنای «مدیریت و پالایش محتوا در فضای مجازی»، دارای دو بُعد فقی - مهندسی و محتوایی است که باید هر دو بعد مورد بررسی قرار بگیرد؛ اما آنچه در بررسی فقهی اهمیت بیش‌تری دارد، بررسی حکم بُعد محتوایی آن است.

هر کشوری بر پایه فرهنگ و مبانی اعتقادی، مصادیق مجرمانه‌ای برای

۲. این قانون مشتمل بر ۵۶ ماده و ۲۵ تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی به نشانی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۳۵۷۱۷>).

*. اشتغال به سطح ۴ حوزه علمیه قم، عضو گروه فقه تربیت مؤسسه اشراق و عرفان، نشانی ایمیل: hadijami@chmail.ir.

نوع سوم محتوای مجرمانه، تابع قوانین و بررسی حقوقی است و در این مجال نمی‌گنجد. در نتیجه در این نوشتار به ادله دو دسته نخست محتوای مجرمانه و حکم فیلتر شدن آن‌ها اشاره می‌کنیم.

ادله فیلترینگ محتوای ضد اخلاقی و ضد اعتقادی

ادله بیان شده اصلاح محیط عام اجتماعی، بر اصلاح محتوای محیط عام اینترنتی و مجازی نیز دلالت دارد؛ اما از ادله خاص این مسئله می‌توان به ادله «حرمت حفظ و نگهداری کتب ضاله» اشاره کرد. پیشینه هم‌مناط این بحث، «مسئله کتب ضاله» است که از شیخ مفید^۱ تافقه‌های معاصر در آن نظر داده‌اند. آن‌چه از این پیشینه قابل استفاده است، ادله شرعی مسئله حفظ، فراگیری و تدریس این کتب است.

امام خمینی^۲ انواع تصرف در این‌گونه کتاب‌ها را در صورتی حرام دانسته‌اند که غرض صحیحی بر آن مترتب نباشد و نیز ائتلاف برخی از بخش‌هایی که مشتمل بر شبهات و مغالطه است و غالب مردم از حل و دفع

آن عاجز هستند، واجب شمرده است.^۱ آیت‌الله خویی^۲ بر پایه حرمت اضلال مردم، از آن بحث کرده‌اند.^۳ از دیدگاه آیت‌الله تبریزی^۴ بر پایه مفاد ادله نهی از منکر که بر وجوب دفع منکر نیز دلالت دارد، التزام به وجوب محو کتب ضاله را اظهر می‌دانند. البته در صورتی که منحصرأً اضلال بر آن مترتب باشد.^۵ از دیدگاه مؤلف «أنوار الفقاهة» درباره حرمت حفظ کتب ضاله نهی خاصی وارد نشده است؛ اما وجوهی که فقها برای دلالت بر حرمت اقامه کرده‌اند، برای افاده مقصود، کافی است.^۶

ادله حرمت نگهداری کتب ضاله

۱. آیات ناهی از اضلال

الف. لقمان / ۶: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

۱. تحریر الوسیله، سید روح‌الله موسوی خمینی، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۹۸.

۲. مصباح الفقاهه، سید ابوالقاسم موسوی خویی، قم، داوری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب، جواد بن علی تبریزی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴. انوار الفقاهه، ناصر مکارم شیرازی، کتاب التجارة، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۶.

بَغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٣٠﴾ طبق این آیه، اگر حفظ، نگهداری، خرید و فروش کتب، منحصرأً برای استفاده حرام و اضلال دیگران باشد، در این صورت، معامله حرام و باطل است؛ اما با توجه به ترجیح این که مفهوم اشتراء در آیه شریفه فراتر از بیع و شراء و به معنای اتیان و ارتکاب عمل باشد، آیه ارتباطی با خرید و فروش کتب ضاله ندارد؛

ب. حج / ۳۰: ﴿وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ ابن فارس معتقد است: اصل ماده «زور» به مفهوم انحراف و عدول از حق و میل به باطل است و معنایی نظیر کذب و پرستش بت، از مصادیق آن می باشد.^۱ در بحث ما، زور به مفهوم میل و انحراف است و مقصود از آن، انحراف از راه حق و صراط مستقیم می باشد.

ج. توبه / ۱۰۷: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيُخَلِّفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ

لَكَاذِبُونَ﴾. ذیل این آیه در «جوامع الجامع»^۲ و بعضی کتب تفسیری - روایتی به این مضمون نقل شده که پیامبر اکرم ﷺ به سفری رفتند، در این هنگام، مسجد ضرار در مدینه ساخته شد. وقتی حضرت از سفر برگشتند، به مسلمانان دستور دادند آن مسجد را ویران کنند. استفاده از مفاد این آیه با الغای خصوصیت از لزوم تخریب مسجد، به لزوم از بین بردن تمام اسباب ضلال است.

۲. آیات ناهی افترا

الف. بقره / ۷۹: ﴿قَوْلٍ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَتًّا قَلِيلًا قَوْلٍ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾.

۲. «روی آن بنی عمرو بن عوف لما بنوا مسجد قباء و صلى فيه رسول الله ﷺ حسدتهم إخوانهم بنو غنم بن عوف و قالوا نبني مسجداً نصلی فيه و لا نخضر جماعة محمد فبنوا مسجداً إلى جنب مسجد قباء و قالوا الرسول الله ﷺ و هو يتجهز إلى تبوك: إنا نحب أن تأتينا فتصلی لنا فيه؛ فقال: إني على جناح سفر! و لما انصرف من تبوك نزلت، فأرسل من هدم المسجد و أحرقه و أمر أن يتخذ مكانه كناسة تلقى فيها الجيف و القمامة» (تفسير جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۴).

۱. معجم مقاییس اللغة، ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۳۶.

ب. طه/۶۱: ﴿قَالَ لَهُم مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَنْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى﴾.

در هر دو آیه افترا به خدا مورد نهی قرار گرفته و یکی از مصادیق آن، نوشتن کتب گمراه کننده است. در این صورت، با توجه به نهی از تولید آن، می توان بالملازمه نهی از حفظ و ارتباط با آن ها را نیز استفاده کرد.

۳. آیات دوری از مجالس استهزای آیات الهی

الف. انعام/۶۸: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾؛

ب. نساء/۱۴۰: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيَسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾.

مفاد این دو آیه - با صرف نظر از برخی تفاوت های جزئی - این است که اگر وارد مجلسی شدید که در آن محفل، آیات خدا را مسخره می کردند و محتوای آن کفر به آیات خدا بود، از چنین مجلسی روی بگردانید!

۴. روایات تعلیم، تسنین و تکلم در باب ضلال

برخی از ادله روایی که حکم حرمت حفظ کتب ضاله از آن قابل استفاده است، روایاتی هستند که در ارتباط با تعلیم محتوای کتب ضاله، تکلم درباره آن و تسنین سنن باطل وارد شده، از جمله: «عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: ... مَنْ عَلَّمَ بَابَ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَوْزَارِ مَنْ عَمَلَ بِهِ وَلَا يَنْقُصُ أُولَئِكَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا»^۱.

سند روایت با توجه به توثیق مجموعه راویان آن، معتبر و قابل اعتماد است. در این روایت، تعلیم، خصوصیتی ندارد؛ بلکه روح تعابیر مذکور که ذهن و ارتکاز عرفی با آن سازگار است، توجه به برخی از اقدامات موج آفرین و اثرگذار در مشی دیگران می باشد. در این صورت، کسی که قول یا فعلش موجد آثار و موجب عمل دیگران شده، در ثواب و عقاب دیگران سهیم است. با این الغای خصوصیت، بر حفظ کتب ضاله نیز می تواند چنین آثاری مترتب شود، به نحوی که نگهداری این

۱. الکافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (شیخ کلینی)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵.



کتب موجب تأثیر بر دیگران و در واقع دلالت آنان به نوعی شر و ضلالت می باشد و این امر حرام است.

۵. روایات سببیت فساد

الحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «... وَكُلٌّ مَنَّهُ عَنَّهُ مِمَّا يَتَقَرَّبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ، أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرُ وَالشِّرْكُ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْمَعَاصِي، أَوْ بَابٌ يَوْهَنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ بَيْعُهُ، وَشِرَاؤُهُ وَإِمْسَاكُهُ وَمِلْكُهُ وَهَبَتُهُ، وَعَارِيَّتُهُ وَجَمِيعِ التَّقْلِبِ فِيهِ...»^۱ ... [و نیز حرام است خریدن] هر آنچه که از آن نهی شده است و مایه نزدیکی به غیر خداست، یا سبب تقویت کفر و شرک می شود، از همه گونه های گناهان؛ یا وسیله ای که سبب تقویت گمراهی، یا تأیید باطل، یا توهین به حق می شود، همه اینها حرام است و تحریم شده است، یعنی فروختن و خریدن و نگاه داشتن و مالک شدن و بخشیدن و عاریه دادن و هر گونه تصرّفی در آنها حرام است...».

سندهای «تحف العقول» مقطوعه است. بنابراین، روایت فاقد سند و ضعیف است؛ اما روایات دیگری وجود دارد که بر پایه ضمّ احادیث ضعیف، می توان به آنها اعتماد کرد.^۲ به این روایت نیز برای حرمت حفظ کتاب ضاله استشهاد شده است.^۳ طبق این روایت، حرفه ای که هیچ وجه حلالی ندارد و ماهیت آن فساد انگیز است یا موجب تقویت کفر و شرک و نیز وهن و تضعیف حق است، از جانب خداوند ممنوع و حرام شده و بیع، شراء، نگه داری و هر نوع ارتباط با آن حرام است.

۶. وجوب دفع ضرر محتمل

این قاعده از مبادی کلامی و عقلی مؤثر در مباحث اصولی و فقهی است. معنای قاعده دفع ضرر محتمل این است که هرگاه در انجام عملی احتمال ضرر

۲. جهت مطالعه قاعده ضم احادیث ضعیف، رک: فقه تربیت: آداب تعلم، علیرضا اعرافی، تحقیق و نگارش هادی عجمی، قم، انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۴۰۰، فصل یکم.

۳. کتاب المکاسب، مرتضی بن محمد امین انصاری (شیخ انصاری)، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۳.

۱. وسائل الشیعة، محمد بن حسن عاملی (حرّ عاملی)، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، صص ۸۴-۸۵.

اطمینان به تحقق ضلال و اضلال است. دلیل دیگر، تمسک به قاعده «وجوب دفع ضرر محتمل» بود. البته این قاعده تنها در صورتی قابل استفاده است که راه مقابله با ضرر منحصر به از بین بردن کتب باشد. این جا حکم عقل جاری است، بنابراین حاصل بررسی مجموع ادله این است که اگر حفظ و خرید و فروش کتب ضاله با اطمینان به گمراهی خود شخص یا اضلال دیگران باشد، حرام است.

حرمت حفظ کتب ضاله در مواردی نظیر: حفظ این کتب برای بررسی و نقد آن ها یا در شرایط تقیه، تخصیص خورده است و به عنوان اولی حرام نیست.

نکته دیگر این که در مقابله با چنین محتوایی، در صورتی که این محتوا سبب اضلال دیگران گردد، اصل اولی در مواجهه با محتوای ضاله، تلاش برای تبیین، نقد و رد علمی تا حد امکان است؛ مگر نابودکردن اسباب ضلال، تنها شیوه مناسب مبارزه باشد که اتلاف متعین است.

از آن جا که شیوه های مقابله با نشر ضلال متعدد است، در انتخاب هر یک از وسایل مخیر است، مگر یکی از شیوه ها کارایی بیش تر داشته باشد که در آن

وجود داشته باشد، دفع آن ضرر با تحصیل آن چه خطر را رفع می کند، لازم است.^۱ با توجه به این که در حفظ و عدم اتلاف کتب ضاله احتمال ضرر وجود دارد، طبق مقتضای این قاعده، باید از بین برده شوند.

جمع بندی ادله^۲

از آیات و روایاتی که بررسی شدند، حرمت اضلال و هرچه مصداق اضلال باشد، استفاده می شود و لازم است شخص اطمینان داشته باشد که عمل او بالفعل یا بالقوه زمینه ساز گناه دیگران نمی شود. در تعابیر ادله روایی نظیر: تعلیم، تکلم، پایه ریزی سنت های باطل و شراکت در گمراهی دیگران مراد است که حرمت آن مثل ادله قرآنی مشروط به اطمینان به تحقق ضلال یا اضلال است.

دو دسته روایات تعلیم، تسنین و تکلم در باب ضلال و روایات سببیت فساد که حرمت آن مانند ادله قرآنی مشروط بر

۱. مائة قاعدة فقهية، سید محمد کاظم مصطفوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ق، ص ۳۰۶.

۲. برگرفته از: مکاسب محرمة، علی رضا اعرافی، قم، انتشارات موسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۸، ج ۴، کتب ضلال.

صورت ارجح است. نتیجه این که این ادله در حقیقت ثابت کننده حرمت گمراهی دیگران و به ملازمه، وجوب جلوگیری از گمراهی آنان است. این حکم کفایی است، مگر در شرایطی بر کسانی مانند حکومت و والدین، عینی باشد. کتب ضاله یکی از مصادیق گمراهی بود؛ اما این ادله را قید نمی زند.

استفاده از ادله اضلال درباره فیلترینگ

از ادله و نتایج بیان شده، در دو بُعد می توان بهره برد:

۱. نگه داری محتوای ضاله در فضای تحت مدیریت جامعه اسلامی، مانند شبکه ملی اطلاعات؛

۲. مواجهه با انتقال محتوای ضاله در شبکه اینترنت و فضای مجازی.

فضای اطلاعات داخلی هر کشور، چون انبار کتابی است که اطلاعات برای استفاده دیگران در آن نگه داری می شود. از سویی دیگر، شبکه اطلاعاتی و اینترنتی هر کشوری دریچه ورود و خروج محتوای دریافت یا ارسال شده کاربران آن کشور است. بر پایه ادله بیان شده در حرمت ضلال، حکم کلی به دست آمده، دارای دو جهت است:

۱. حفظ و نگهداری از محتوای ضلال در فضای عمومی شبکه ملی اطلاعات، در صورتی حرام است که با اطمینان، منجر به گمراهی عموم افراد جامعه گردد. حرمت حفظ این محتوا در مواردی نظیر حفظ این محتوا برای نقد و بررسی و نقد آن ها یا در شرایط تقیه، تخصیص خورده است و به عنوان اولی حرام نیست. البته این تخصیص منحصر به استفاده افرادی است که به نقد و بررسی آن می پردازند. در نتیجه، از دسترس عموم خارج و تنها در دسترس آن ها می توان قرار داد؛

۲. از منظر دوم؛ یعنی حکم تردد محتوای ضلال در فضای مجازی کشور، اصل اولی در مواجهه با محتوای ضاله در فضای اینترنت و مجازی، تلاش برای تبیین، نقد و رد علمی تا حد امکان است، مگر فیلتر کردن این محتوا، تنها شیوه مناسب مبارزه باشد که اتلاف متعین است. در این صورت نیز تابع دریافت کننده اطلاعات است؛ یعنی در صورتی که این اطلاعات سبب گمراهی او شود، می توان دریچه ورود این اطلاعات به او را مسدود کرد. هم چنین

مانع ارسال محتوای ضاله از سوی کاربری شد.

نتایج برآمده این که:

۱. فیلترینگ محتوای ضاله، محدود به شبکه داخلی و ملی اطلاعات نمی‌گردد و این وظیفه حاکمیت نسبت به تردد اطلاعات از داخل به خارج و بالعکس نیز می‌باشد؛

۲. ملاک ضاله بودن یک محتوا، گمراه‌کنندگی برای عموم مردم است؛ زیرا فضای مجازی نیز عمومی است، مگر این که دسترسی‌های افراد محدود و مشخص باشد که ملاک، افراد گیرنده اطلاعات خواهند بود؛

۳. تنها در صورتی می‌توان محتوای ضاله را با اهداف اصلاح‌گرانه نگاه داشت که به عدم استفاده افراد آسیب‌پذیر از آن محتوا یقین داشت؛

۴. بر پایه مشکک بودن ضلال و گمراهی، لازم است دسترسی‌های افراد و گروه‌های مختلف به محتوای اینترنتی و مجازی محدود و مشخص گردد، به‌ویژه افراد آسیب‌پذیرتر جامعه مانند کودکان. از سوی دیگر، دسترسی امن کارشناسانی که نیازمند محتوای ضاله در پاسخگویی هستند؛ زیرا ممکن است محتوایی در سنی گمراه‌کننده باشد؛ اما همان محتوا

برای رده سنی یا اقشاری دیگر، لازم باشد. البته در صورت نبودن چنین سامانه ارتباطی، لازم است در گمراه‌کننده بودن محتوایی، عموم افراد را در نظر گرفت.

این حکم بیان شده، کلی است؛ اما ذیل هر محتوای ضد اخلاقی و ضد اعتقادی، ممکن است عناوینی دیگر قرار گیرد که بر حرمت ترویج آن محتوا و سویی، حکم برخورد و فیلترینگ آن محتوا بیفزاید؛ هم چون قوادی، حرمت شکستن حریم شخصی افراد و ...

ادله فیلترینگ محتوای برهم زننده امنیت کشور

اثبات حکم فیلترینگ چنین محتواهایی، در گروه حکم برهم زدن امنیت کشور و نظام اسلامی است. از آن جا که هدف امنیت، حفظ نظام است، از ادله آن می‌تواند قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در نظام باشد.

قاعده وجوب حفظ نظام

این قاعده با تعابیر مختلف استفاده شده و از ادله پرکاربرد در ابواب مختلف فقهی است. مانند تعبیر «حفظ نظام» که از ادله ولایت فقیه و حکومت اسلامی طرح شده^۱ و تعبیر «حفظ نظام مادی و

۱. «مع أن حفظ النظام من الواجبات الأكيدة، و

معنوی» که در وجوب کفایی قضا^۱ استفاده می شود. مثلاً بیان شده که اگر کسانی متصدی قضا نشوند، نظام معیشت مردم اختلال پیدا می کند. از این مفهوم به قاعده «حرمت اختلال نظام» نیز تعبیر شده که جنبه سلبی آن است. این قاعده، اسباب حفظ امنیت را در بر می گیرد و حکمی ایجابی و از سویی سلبی می آفریند که عقلی و با درک مستقل بشر است و شرع نیز آن را تأیید می کند.

جمع بندی ادله حفظ نظام و استفاده از آن در فیلترینگ امنیتی

بر پایه آن چه بیان شد:

- بر هم زدن امنیت کشور از مصادیق روشن اختلال در نظام است؛

- اختلال در نظام، حرام است؛

نتیجه: بر هم زدن امنیت کشور، حرام است، به هر صورت که باشد. از جمله مصادیق مهم امروزی آن، محتوای

رسانه ای و مجازی است که سبب بر هم زدن امنیت می گردد. البته تعیین مصداق بر هم زنده بودن امنیت، از سوی کارشناسان امنیتی انجام می گردد.

طبق این نتیجه و با توجه به وظایف حاکم و حاکمیت در این باره، آن ها نیز وظیفه دارند اقدامات لازم را در جهت مقابله با اختلال در نظام، در مدیریت فضای رسانه ای و مجازی انجام دهند. از جمله: فیلترینگ محتوای بر هم زنده امنیت این نظام.

البته این حکم، در مواردی مؤکد می گردد. از جمله زمانی که عناوینی چون اضلال، نفی سبیل و حفظ نفوس محترمه بر آن افزوده گردد. بنابراین، فیلترینگ در محتوای ضداخلاقی و ضداعتقادی بر پایه ادله حرمت اضلال که فقها در بحث کتب ضاله بدان اشاره کرده اند، دارای پیشینه و حکم است و حکم آن، وجوب مقابله و حذف محتوایی می باشد که عموم مردم را گمراه کند. هم چنین فیلتر محتوای بر هم زنده امنیت کشور نیز دارای ادله شرعی قاعده حفظ نظام است که بر وجوب حفظ آن دلالت دارد؛ یعنی محتوای بر هم زنده حفظ نظام، باید حذف و از دسترس خارج گردد، البته تشخیص آن بر عهده کارشناس موضوعی امنیت ملی است.

اختلال اُمور المسلمین من اُمور المَبغُوضَة، ولا یقام بذا، ولا یسدّ هذا الا بوال و حکومت. (کتاب البیع، سید روح الله موسوی خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام تاریخ نشر: ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۱۹).
۱. «القضاء واجب کفائی، و ذلك لتوقف حفظ النظام المادی و المعنوی علیه» موسوعة الإمام الخوئی، سید ابو القاسم موسوی خوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴.